

بسم الله الرحمن الرحمن

مصاحبه مهندس محمد امین کریم عضو شورای سیاس

حزب اسلامی افغانستان با نشریه، اسلو تایمز

اسلو تایمز: شرایط و حالات سیاسی افغانستان را بعد سال 2014 چگونه ارزیابی میکنید؟

آیا خروج نیرو های خارجی باعث جنگهای داخلی خواهد بود همانطوریکه بعد از خروج قشون سرخ شوروی و سقوط حکومت کابل کشور بطرف جنگهای داخلی سوق داده شد، همچنان چقدر امیدوار هستید که خروج نیرو های

خارجی زمینه را برای بوجود آوردن نظام آزاد و مستقل فراهم می سازد؟

انجنیر امین کریم: با اظهار سپاس از برگزاری مصاحبه حاضر، مسرت مزید دارم که با یک نشریه مستقل و مدافع ارزشهای انسانی و آزادی بیان مخاطب هستم.

برای درک شرایط امروز و شرایط بعد از 2014 لازم است کمی به عقب برگردیم.

بعد از سقوط امپراطوری شوروی که عمدتاً به یمن مجاهدت و قربانی میلیونها افغان و مساعدت قوی معنوی و هم کمک محدود مالی جهان غرب صورت پذیرفت؛ امپراطوری رقیب، یعنی ایالات متحده امریکا در صدد سیطره یکه تازانه بر جهان گردیده و این سیطره را نظم نوین جهانی نام نهاد. افغانستان به مثابه قلب آسیا و در مجاورت چهار قدرت اتمی جهان و ایرانی متهم به مبدل شدن به قدرت اتمی؛ و هم در میان سه کشور رقیب سیاسی - اقتصادی بالقوه امریکا یعنی روسیه، چین و هند و بخصوص یگانه معبر انتقال 25 فیصد منابع دست خورده انرژی جهان در آسیای میانه توجه جدی واشنگتن را بخود معطوف نمود.

برخلاف تصور عامه، برنامه حضور پر حجم نظامی امریکا در افغانستان از زمان تثبیت شکست نظامی روسها در این کشور، یعنی میانه دهه هشتاد، در حلقهات نظامی امریکا مطرح گردید. در همین سالها استراتژیست های پنتاگون پیرامون دو جنگ همزمان با حجم متوسط کار میکردند. در بعد تئوریک کتاب "جنگ تمدنهای" آقای ساموئیل هانتینگتون این برنامه را تکمیل نمود. بقول خانم مادلین هولبرایت وزیر خارجه کلینتون برنامه حمله نظامی به افغانستان در سال 1998 تکمیل شده بود، ولی بقول وی نه افکار عمومی جهان و نه ملت امریکا اجازه چنین کاری را به واشنگتن میداد.

جنگهای به اصطلاح داخلی دهه نود برخلاف شایع جزء برنامه درازمدتی بود که امریکا و متفقین منطقوی شان و با همکاری روسها و ایرانی ها براه انداختند. هدف آن جلوگیری از تشکیل یک حکومت اسلامی، قوی مرکزی و با ثبات بود، تا بلاخره راه را برای تجاوز فعلی آماده نماید.

واقعه یازده سپتمبر از این جهت بهترین بهانه را برای اشغال کشور ما مهیا نمود.

لابی های صنعت نظامی و نفتی امریکا که سازندگان اصلی سیاست خارجی این کشور اند، با سوء استفاده از احساس همدردی افکار جهانی در قبال یازده سپتمبر به کشور فقیر ما حمله بی رحمانه انجام دادند. این تجاوز که مخالف تمامی موازین اخلاقی و قوانین حقوقی بین المللی صورت گرفت، تحت شعار مبارزه با تروریسم به تبلیغ گرفته شد. چنانچه شما میدانید عملیات (enduring freedom) نیرو های امریکایی هیچ مجوز حقوقی سازمان ملل متحد را با خود ندارد. آنچه این سازمان تصویب نموده است، حضور قواء حافظ صلح (ایساف) می باشد که وظیفه صرفاً حفظ و پاسداری و بنأ دفاعی دارد. از این نگاه اشغال افغانستان توسط امریکا مطلقاً بر خلاف فلسفه وجودی سازمان ملل می باشد، که تشکیل آن جلوگیری از قانون جنگل بوده است.

حضور یازده ساله نیرو های خارجی در افغانستان، تا بحال بیش از یکصد و پنجا هزار قربانی گرفته و معدود قریه ها و رستا هایکه از تخریبات شوروی ها مصئون مانده بودند را نیز تخریب نموده و هیچ یک از شعار های پنجگانه: دولت سازی - دموکراسی - آباد سازی - مبارزه بر ضد گشتت مواد مخدر و بویژه مبارزه با تروریسم را نه تنها عملی نکرده، بلکه دقیقاً در هر پنج مورد اوضاع را بدتر از قبل نموده است. ملت افغان در طول تاریخ پنج هزار ساله و مقابله با بزرگترین مهاجمین؛ از اسکندر تا چنگیز و از انگلیسها تا روسها با تروریسم بیگانه بوده است، ولی حتی به یمن حضور نیرو های اشغالگر، این پدیده شوم نیز در کشور ما تولد شده است. فساد اداری و مالی که کشور ما را بنا بر آمار (Internal transparency organization) در صدر فاسد ترین دولتهای دنیا قرار داده است. کما اینکه این فساد جزء انفکاک ناپذیر اشغال می باشد. بدین ترتیب شکست سیاسی-نظامی نیرو های امریکایی در مقابل مقاومت مردم ما اجماع نظر آگاهان و متخصصین امور را ایجاد نموده است.

اسلو تایمز: پس آنچه گفته آمد فرق بین حزب اسلامی و طالبان در چی است؟

انجنیر امین کریم: حزب اسلامی افغانستان و تحریک طالبان از برخاستگاه های متفاوت تاریخی، عقیدتی، سیاسی و اجتماعی برخوردار اند. آنچه نقطه مشترک این دو جریان فکری را تشکیل میدهد، بدست آوردن استقلال کشور ما است. حزب اسلامی سابقه 43 ساله داشته و بنیاد گذار نهضت اسلامی معاصر در افغانستان است، در حالیکه تحریک طالبان در دامان مهاجرین در خارج از کشور و با سابقه کمتر از 15 ساله عرض اندام نموده است. موقف حزب اسلامی استوار بر استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در پرتو اسلام بوده و بر اصل مردم سالاری تاکید قوی دارد، در حالیکه تحریک طالبان معتقد بر اصل "الحق من الغلبه" و کما کان بر تسخیر قدرت از طریق زور معتقد است و رای مردم را در تعیین سرنوشت و مدیریت جامعه نا شایست تلقی میکند. از دید ما انسان مسلمان موجود آزاد، عاقل و صاحب حقوق است و از دیدگاه آنها انسان موجود غیر محق، فاقد عقل تصمیم گیرنده و عمدتاً ذات مکلف است. عدالت از دیدگاه ما زیر بنا و محک تشخیص حق و باطل است ولی این مقوله در جهان بینی ایشان سراغ نمیشود. از اینجاست که حقوق انسان در تعین سرنوشت، عقیده و بیان آن از دیدگاه ایشان نا دیده گرفته میشود. ما به یک جامعه مردم سالار دینی استوار بر اراده مردم و آزادی ایشان سخت معتقدیم.

اسلو تایمز: خواهشمندیم یکی از خاطرات زندگی سیاسی خود را با صد ها هزار خواننده این نشریه در جهان شریک

سازید؟

انجنیر امین کریم: بنده در دوران تجاوز روسها، هر سال به مدت دو الی دونیم ماه داخل جبهات کشور میشدم. و از اینرو از مجاهدین و دوران جهاد به صد ها و هزاران خاطره تلخ و شیرین دارم. اما ترجیح میدهم خاطره را به شما نقل بکنم که در خارج از افغانستان برابم اتفاق افتاد. در سال 1984 توسط اتحادیه محصلین پوهنتون تونس به این کشور دعوت شدم تا در رابطه جهاد افغانستان در این پوهنتون سخنرانی داشته باشم. بعد از دو سه روز سخنرانی ها در فاکولته های انجنیری و طب که مورد استقبال بی شایبیه محصلین تونس قرار گرفت، توسط پولیس مخفی آن کشور دستگیر شده و مدت یک هفته در زندان و تحت شکنجه به سربردم. تاثر آور ترین لحظات آن بود که صدای ناله و فغان دختران جوان از اتاق های ماحول این زندان که در زیر زمینی وزارت داخله این کشور قرار داشت گوش هر انسان را جریحه دار می ساخت. بعد از یک هفته شکنجه روزانه مرا از زندان کشیده و با رو پوش بجای دیگری منتقل ساختند، وقت روپوش را از سرم برداشتند، خود را در سالون مجلل یافتم که مقر دفتر ریاست امنیت ملی تونس (دفتر خاد) بود. شخصیکه در آنطرف میز نشسته بود از جا برخاسته و بدون اینکه سوالی از من بکند چند سیلی محکم بر رخ من کش کرد و بعد از آن به چند سوال پرداخت که طی یک هفته به صد ها بار از من کرده بودند مبنی بر اینکه چه کسانی تو را دعوت کردند و با چه کسانی ارتباط داری. این شخص کسی جز زین العابدین بن علی نبود. چند ماه بعد از این واقعه ایشان بر اثر کودتای نرم، ریاست دولت این کشور را بدست گرفت.

اسلو تایمز: آیا هنوز هم در مقابل رفتار وحشیانه زین العابدین بن علی احساس خصومت میکنید؟

انجنیر امین کریم: خصومت ما نه تنها با اشخاص ظالم بلکه با اصل ظلم است. امروز که می بینم که همان جوانان مسلمان دیروز این نظام ظالمانه بن علی را منهدم نمودند، احساس آرامش می نمایم.

اسلو تایمز: شما با آقای حکمتیار از دیر زمان آشنا و همکار هستید. در رابطه با شخصیت ایشان و هم منحصیت رهبر نهضت اسلامی چه شناخت از ایشان دارید، و نقش ایشانرا در رهبری افغانستان چگونه می بینید؟

انجنیر امین کریم: من ایشان را شخص مسلمان و مومن یافتم. شخصیکه عمر خود را وقف دین و سر بلندی ملت خود نموده و در این راه از هیچ قربانی صرفه نکرده است. پدر، کاکاها و برادرانش بجرم ارتباط با وی در شکنجه گاه های دشمنان اسلام جام شهادت نوشیدند. با آنها من وی را شخص رؤف القب یافتم. وی شخص تعلیم یافته و آگاه بر سنت و مدرنیته است، جامعه سنتی افغانستان و مدرنیزم معاصر را بخوبی درک کرده است. در علوم دینی درایت کافی دارد. من ایشان را شایسته ترین شخص برای رهبری امروز و فردای کشور میدانم به همانطوریکه مبارزات مجاهدین این کشور را در طول سی سال گذشته از فراز و نشیب های فراوان بطور احسن رهبری نموده است. با آنها آنچه بنظر من

اهم ویژگی ایشان را تشخص میبخشد، اصل معطوف بودن وی نه بقدرت بلکه به اهداف می باشد و در این راه خداوند به وی صبر کافی اعطاء نموده است. من از اینکه بیشتر از 35 سال منحصراً یک فرد عادی این نهضت در تحت رهبری ایشان مبارزه کرده ام متفخر هستم و به آن می بالم. من مطمئن هستم که تاریخ امروز و فردا وی را در زمره بزرگترین راد مردان آزادی در تاریخ بشریت ثبت خواهد کرد.

اسلو تایمز: پیمان استراتژیک جدیداً بین افغانستان و امریکا به امضاء رسید که بعد از سال 2014 ضمانت

اجرایوی پیدا میکند، نظر شما در رابطه این پیمان چی است؟ آیا این پیمان میتواند مفید بحال افغانستان و مردمش باشد؟

انجنیر امین کریم: افکار عمومی جهان و خاصاً ایالات متحده امریکا با درک ماهیت اشغال کشور و عبث بودن مصارف صد و بیست میلیاردی در سال و کشته شدن جوانان شان، در یک جنگ غیر اخلاقی، با اکثریت بالاتر از 70 فیصد، متقاضی قطع جنگ و خروج نیرو های کشور شان از افغانستان شده اند. آقای اوباما که در سال مبارزات انتخاباتی اش قرار دارد در بین دو نیرو متضاد در گیر (سندویچ) مانده است. در یک طرف عقاب های جنگ طلب محافظه کار نو و لابی های نهایت مقتدر صنعت نظامی و نفتی و در جانب دیگر افکار عمومی امریکایی و جهانی، و مبالغ هنگفت و طاقت فرسای هزینه جنگی، بویژه در دوران بحران عمیق اقتصادی حاضر، و دستگاہای اقتصادی غیر نظامی که از بحران و جنگ صدمه می بینند، اداره وی را ناگزیر از عقد این پیمان استراتژیک نموده است. محتوای این پیمان همین دوگانگی را کاملاً هویدا می سازد: به افکار عمومی میگوید، ما سند خروج خود را در سال 2014 به امضا رساندیم و همانطور که در دوره اول به اشغال نظامی عراق خاتمه بخشیدیم در دوره دوم ریاست جمهوری خود بجنگ افغانستان نیز خاتمه خواهیم بخشید. بنا امضا این سند بیشتر وجه سیاست داخلی امریکا را دارد. از طرف دیگر با آگاهی از غیر قانونی بودن و غیر اخلاقی بودن اشغال کشور ما، این سند میخواهد، بلاخره بعد از 13 سال اشغال، بحضور نیرو های امریکایی و وجهه قانونی بدهد. مشکل اینجاست که این پیمان توسط یک کشور اشغالگر با حکومت دست نشانده و تحت امرش به امضا رسیده و از این رهگذر حد اقل در اذهان مردم افغانستان از کوچکترین مشروعیتی هم برخوردار نیست. رژیم کابل از دید مردم ما از هیچ منظر از مشروعیت حقوقی- قانونی برخوردار نمی باشد و از نگاه عملی هم تسلط بر کشور ندارد.

بسیار از مفاد این پیمان طوری اند که میخواهد تلمخی های اشغال نظامی و استقرار پایگاههای دائمی نظامی را توسط وعده های کمک مالی در حلقوم مردم ما شریین جلوه دهد، ولی آنچه واضح است اینکه: اشغال و حضور نظامی یک حقیقت مسلم است اما کمکهای مالی یک وعده مشروط به ده شرایط!... عقل سلیم این معامله را پذیرا نخواهد بود. بنابر آنچه گفته آمد، شرایط بعد از 2014 چنان است که امریکایی ها با درک اینکه اقتصاد شدیداً مریض این کشور توان پرداخت سالانه بیش صد و بیست میلیارد دالر بودیجه مختص به افغانستان را ندارد و افکار عمومی هم در جهان غرب پذیرش کشته و زخمی شدن هزاران جوان خود را در یک جنگ فرسایشی ندارد. جنکی که جزء شکست نظامی نتیجه دیگر برای آن مرتب شدنی نیست. متخصصین بر این امر تاکید میکنند که موفقیت جنگ مردمی و آزادی بخش در گرو از بین نرفتن است. حالانکه شرایط مقاومت مردم افغانستان هر سال نسبت به سال قبل وسیع تر و قوی تر شده است. از

این رو این کشور و ممالک هم پیمانانش در صدد آن برآمدند که مصارف جنگ را تقلیل دهند و هم برای جلوگیری از کشته شدن بیشتر عساکر خود شان، جنگ را افغانی بکنند. همه میدانند که اردوی رژیم کابل یک لشکر ملیشه ای و قومی و جدا غیر قابل اعتماد هست. مهم تر از همه این اردو هیچ انگیزه جنگیدن با ملت خود را ندارد. در صورتیکه حضور قوای بیش از ۵۰ کشور نتوانسته است مقاومت استقلال طلبانه مردم ما را خفه نماید، چگونه میتوان تصور کرد که قطعات افغانی با امکانات نهایت کمتر و انگیزه قریب به صفر، توان شکست مقاومت مسلحانه مردم ما را داشته باشد؟؟!! آیا نمی بینید که مقاومت ضد خارجی حتی در صفوف اردو و پولیس اجیر نیز به مرور وسیع تر شده می رود و هر هفته یکی دو نفر عساکر خارجی توسط همین اردو به قتل میرسند؟.

از این رو و با کمال تأسف میتوان با اطمینان قوی نتیجه گرفت که روی کرد فعلی امریکا آتش جنگهای داخلی نیابتی را مشتعل تر خواهد ساخت و بر مردم کشور ما کشتار و خونریزی بیشتر تحمیل خواهد کرد. و چنانچه شما یاد آوری کردید خاطره تلخ جنگهای نیابتی دهه نود را تکرار خواهد کرد.

اما با همین اطمینان میتوان حکم کرد که اگر دستگاه رهبری امریکا تصمیم بر ایجاد صلح و ثبات دایمی در افغانستان و منطقه داشته باشد، ساده ترین مسیر آن آغاز مذاکرات جدی صلح، در فضای شفاف با جنبش مقاومت مسلحانه مردم ما است. این جنگ بنا بر اشغال سیاسی- نظامی کشور ما، توسط نیرو های غربی بر ما تحمیل شده است. صلح از طریق آغاز مذاکرات جهت اعاده استقلال و حق حاکمیت ملی کشور ما و برای ایجاد ثبات و امنیت بین این دو قوت متخاصم قابل اجرا است.

اضافه نمایم که به یقین میتوان گفت که اگر امریکا چنین اراده داشته باشد و دستگاه رهبری و اشننگن بر حلقات جنگ طلب داخل امریکا فایق آید، منافع ملی درازمدت افغانستان و جهان غرب در بسیاری موارد همسو و همخوان می باشند و از این نگاه ایجاد صلح کار بسیار ساده خواهد بود بخصوص اینکه صلح و امنیت در افغانستان، بقول سیاست مداران غربی، متضمن صلح و امنیت در جهان است. ملت افغانستان بیشتر از همه از جنگ لطمه دیده است و بیشتر از همه شایق صلح و استقلال و آزادی است. نظام مردم سالار، با حفظ ارزشهای دینی و حافظ حقوق انسانی در پرتوی یک کشور آزاد و مستقل میسر است، نه در چوکات یک نظام دست نشانده با ارزشهای تحمیلی و وارداتی.

بناً کلید جنگ و یا روند صلح و ثبات منحصراً در دست حاکمان امریکا و متحدان غربی و منطوقی اش می باشد. وجهه عملی این پیمان طور بیست که از یک طرف حتک حرمت استقلال ماست و از طرف دیگر فساد مالی و اخلاقی که جزء لاینفک چنین اشغال می باشد. تجارب حضور امریکایی ها در کشور های جهان سوم منجمله فلپین، پاناما و سایر کشور های امریکای لاتین این موضوع را کاملاً هویدا ساخته است. مهمتر از همه حضور پایگاههای درازمدت نظامی که متمم این پیمان است، به معنی تداوم جنگ و خونریزی بر کشور ماست: یعنی در داخل مقاومت استقلال طلبانه ادامه خواهد یافت و از خارج کشور های همسایه مثل روسیه، ایران و پاکستان اعلان کرده اند که با این حضور مخالفت خواهند کرد. معنی این مخالفت یعنی جنگ در افغانستان. حال سوال اینست که چرا باید امریکا در کشور دور افتاده مثل افغانستان حضور نظامی داشته باشد. در حالیکه میتواند از طریق مفاهمه با جنبش استقلال طلب کشور ما، به صلح برسد و امنیت خود را هم تأمین نماید. فراموش نکنیم که امریکا با بهانه مبارزه بر ضد تروریسم به کشور ما تجاوز نموده است، حال آنکه تنها و تنها مردم افغانستان است که میتواند از حضور جنگندگان خارجی و غیره در کشور ما ممانعت نموده و نگذارند که از خاک افغانستان بر علیه کشور های خارجی عملیات تخریبی طرح ریزی شوند. روسیه، چین، ایران و پاکستان از تداوم جنگ فرسایشی غرب در افغانستان منفعت می برند ولی با حضور درازمدت آنها شدیداً مخالفند.

و حرف آخر اینکه مجموع این پیمان از افغانستان یک کشور تحت الحمایه می سازد. و تحت الحمایه یعنی مستعمره
بسان مستعمرات قرن هژده و نوزده و اوایل قرن بیست. نتایج این استعمارگری امروز به همگان مشخص اند.

اسلو تایمز: برداشت شما از روابط جاری میان کشور افغانستان و جامعه اروپا چگونه می باشد؟

انجنیر امین کریم: کشور های اروپایی به مثابه یک قطب مهم سیاسی- اقتصادی ای جامعه بشریت میتوانند نقش سازنده
و تعیین کننده را در امر تأمین صلح و رشد در سطح جهان بصورت اعم، و بصورت اخص در افغانستان بازی نمایند.
این مطلب بخصوص از آن جهت قابل اهمیت است که چند کشور اروپای غربی که سابقه استعماری را در دو قرن اخیر
تجربه کرده اند، بخوبی دریافته اند که چپاول اقتصادی کشور های جهان سوم در افریقا و آسیا و استقرار نظام های
استبدادی، در نهایت به مثابه بومرنگ بطرف خود شان بر خواهد گشت. مشکلات مهاجرت های اقتصادی تا حد زیاد
ناشی از همان سیاست استثماری- استعماری آن دوران می باشد. البته اروپای اسکند ناوی خوشبختانه این لکه سیاه را
در تاریخ خود ندارد.

بنا امروزه اتحادیه اروپا نه امکان احیای استعمارگری را دارد و نه منفعتی را مدنظر دارد. برخلاف امریکا که همان
سیاست استعماری قرن نوزده و اوایل قرن بیست اروپا را تعقیب میکند و هم امکانات تجاوزات و لشکر کشی ها را
فراهم کرده است.

از اینرو اتحادیه اروپا مناسب ترین مجموعه ای است که میتواند با مردم افغانستان روابط دوستانه، صلحجویانه و
سازنده در تمام ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی داشته باشد. این امکان عمیقا وجود دارد که افغانستان بعد از جنگهای
خونین حاضر مبدل به یک الگوی (ویترین) شود که نمونه از روابط سالم و همزیستی و همکاری متقابل اسلام و
مسیحیت را و یا تمدن اسلامی با تمدن غربی را تجلی دهد. و نمونه شود برای تمام جهان اسلام و جهان غرب. اعمال
این آینده خوشبینانه و خوش آیند بیشتر منوط به رهبران اتحادیه اروپا و ممالک غیر عضو این اتحادیه می باشد. در این
مسیر کشور ناروی بنا بر تاریخ صلح گرایانه و فرهنگش و سیاست عدم مداخله گری در کنار سایر کشور های اسکند
ناوی میتواند نقش پیش تاز و فعال تر را اجرا نماید. ما به اینکه کشور ناروی ابتکار تدویر یک کانفرانس صلح بین
الافغانی و بین المللی را جهت پیدا کردن راه حل مسالمت آمیز بحران افغانستان بدست بگیرد، با حسن نیت کامل
ارزیابی نموده و شدیداً استقبال خواهیم کرد.

اسلو تایمز: افغانستان در کدام عرصه ها دنبال داشتن روابط مثمر با اروپا است؟

انجنیر امین کریم: بصورت اعم افغانستان شناسان در یک نقطه اتفاق نظر دارند که ملت افغان به همان پیمانته که در
قیبال استقلال و آزادی خود حریص هست، به همان اندازه اگر دست دوستی صادقانه برایش پیش شود با صمیمیت می
فشارد و در دوستی هم شهره هست. متأسفانه تابحال تنها تجربه خشونت در قبال ملت ما اعمال شده است. دست دوستی
اروپا صمیمیت و مهربانی مردم ما را زبان زد خواهد نمود. اهمیت موضوع وقتی میتواند مشخص شود که واقعات
اسفناک قتل عام جوانان را توسط نژاد پرستان آدم کش در همین چند ماه قبل در کشور شما ناروی مورد توجه قرار
بدهیم. آشتی اسلام و اروپا بدون شک جلو رشد روز افزون این خشونت های وحشیانه را خواهد گرفت.

بصورت اخص افغانستان یک کشور بسیار غنی در بعد معادن است. ما ترجیح می‌دهیم که استخراج این معادن توسط کشور های صورت بگیرد که قصد استعماری در قبال ما نداشته باشند. و هم مصمم هستیم که در یک افغانستان مستقل در ابعاد تعلم و معارف، صحت عامه و سرمایه گذاری های کلان اقتصادی، همکاری های وسیع با اروپا داشته باشیم.

اسلو تایمز: فاصله بین مردم افغانستان و حکومت رو به تزاید است، دلایل انزوای حکومت و فاصله گرفتن مردم از آن چی می باشد؟

انجنیر امین کریم: زمانیکه امریکایی ها بر افغانستان تجاوز نمودند، نظامی را سرنگون کردند که از جانب خود شان و مؤتلفین محلی شان، پاکستان، انگلیس و بعضی کشور های خلیج روی کار آمده بود. بنأ ناچار گردیدند که گروه های را جانشین این نظام نمایند که ساخته و پرداخته محور مخالفین طالبان، یعنی روسیه، ایران و هندوستان بودند. این نیروها که تصویر نهایت منفی در افکار ملت ما داشتند با اجازه ایران و روسیه به اجوره امریکایی ها در آورده شدند. بیشتر این گروه ها در اثر چپاول و جنایات جنگی در بین ملت ما منزوی شده بودند. از اینرو همان سنگ تهداب اول کج گذاشته شده بود. و از همان ابتدا این گروه ها به مثابه پیش قراولان تجاوز در بین مردم معرفی گردیده. بنأ وابستگی، چور و چپاول مالی و بالاتر از همه بدست گرفتن تجارت مواد مخدر منابع سرشاری را بدست اقلیت بر سر اقتدار قرار داد. فساد مالی، نوکری به اجانب، فساد اخلاقی فقدان کامل یک سیستم عدلی - قضایی همه عواملی اند که دولتمردان رژیم فعلی را در افکار مردم ما کاملاً منزوی و بیگانه ساخته است.

از طرف دیگر تعیین وزراء، والیان و متصدیان پوست های کلیدی و حتی تعداد کثیر از وکلای به اصطلاح پارلمان رژیم از طریق سفارت خانه های کشور های بیرونی انجام میگیرد، این افراد مشروعیت خود را نه مرهون مردم بلکه مدیون سفارت خانه ها میدانند و بنأ کوچکترین اعتناء بخواست و اراده مردم ندارند.

اسلو تایمز: بعد از بقتل رسیدن اسامه بن لادن رهبر القاعده طوری به نظر می رسد که نقش تحریک طالبان از

اهمیت بیشتر در سیاست افغانستان و همینطور استراتژی ایالات متحده امریکا قرار دارد، در رابطه نظر شما چی است؟

انجنیر امین کریم: جنگ تباه کنی را که کشور های غربی و در رأس آن امریکا در افغانستان براه انداخته اند به بهانه مبارزه بر ضد تروریسم یا سازمان القاعده بوده است. بنا بر ادعای رؤسای دستگاه های استخبارتی ایالات متحده امریکا و بخصوص آقای لئون پنتا، رئیس قبلی سی آی ای و وزیر دفاع فعلی این کشور، در حال حاضر حدود پنجا الی حد اکثر صد نفر اعضای این سازمان در بین مناطق مرزی افغانستان و پاکستان حضور دارند. صرف نظر از ملیارد ها دالر مصرف سالانه کشور های اروپایی، امریکا به تنهایی سالانه یک صد و بیست ملیارد دالر را مصرف مبارزه با صد عضو القاعده میکند. معنی این ادعا اینست که هر سال برای تعقیب و یا از بین بردن هر فرد عضو القاعده امریکا 1.2 ملیارد دالر را به مصرف میرساند. آیا میشود احمقانه تر از این محاسبه را انجام داد؟؟!! آیا ممکن است مزخرف تر از این ادعای وجود داشته باشد؟؟!!

جالب تر این است که با گذشت بیش از ده سال، تا بحال هیچ تعریف مشخص از واژه تروریسم از جانب کشور های اشغالگر ارایه نشده است. آیا با مقوله تروریسم باید با توپ و تانک و طیارات بی 52 و بی سرنشین میشود به مبارزه

پرداخت؟ و یا این مبارزه باید محضاً پولیسی و استخباراتی باشد و با انگیزه های تروریسم و ریشه های آن باید پرداخته شود؟

آقای تودن هوفر (Feindbild Islam – Dr.Jurgen Todenhofer) از وکلای سرشناس حزب سه دی یو (CDU) آلمان که در دهه هشتاد و نود از مسئولین بلند پایه این حزب و از جانب دولت نماینده این کشور در شورای ناتو بود، در جزوه که اخیراً به نشر رسانده است (Feindbild Islam) نقل میکند که در دهه هشتاد که طرح جنگهای آینده، تحت شعار مبارزه بر ضد تروریسم در سرخط برنامه پردازان نظامی امریکا بود، قرار شد تا تعریفی بدولتمردان و سیاستگذاران امریکایی از جانب تئوری پردازان این کشور ارایه گردد. این حلقات وابسته به پنتاگون پنج تعریف متنوع را از تروریسم اراه کردند، که از قضا مصداق عمده و اولی این تعاریف خود دولت ایالات متحده امریکا تلقی میگردد. از همان تاریخ تصمیم گرفته شد که شعار مبارزه با تروریسم حفظ شود ولی تعریف آن هیچگاه بیان نگردد. نتیجه عملی آن چنان شد که هر کس برضد منافع امریکا در جهان مبارزه کند، یا تروریست حساب میشود و یا همکار تروریست. بنا بر همین روند بود که آقای جولیان اسانج مدیر مسئول سایت ویکی لیکس هم از جانب مقامات رسمی امریکایی شخص تروریست تلقی گردید. مگر آقای بوش نگفته بود که یا با ما هستید یا دشمن ما هستید؟؟!!

در رابطه با طالبان باید گفت که این گروه که مدعی باز گرفتن انحصاری قدرت است به هیچ رو انحصار مقاومت مسلحانه را در کشور ما ندارد، ولی بنا بر تصویر نهایت مکدری که از این جریان در جهان ایجاد گردیده است، دستگاه های تبلیغاتی وابسته به اشغالگران ترجیح میدهند تا عمدتاً مقاومت را بنام طالبان مسمأ نمایند.

مقاومت فعلی کشور ما، عبارت یک قیام مردمی و آزادی بخش است که برای اعاده استقلال کشور ما براه افتاده است و هیچ تفاوتی با زمان تجاوز شوروی ها ندارد، بجزء اینکه همین نیرو ها را که دیروز با شوروی ها جهاد میکردند و در رأس آن حزب اسلامی افغانستان به رهبری محترم حکمتیار قرار داشت، بحق مسمأ به مبارزان آزادی (Freedom Fighters) کرده بودند، همین دستگاه ها، همین نیرو ها را امروز با القاب منفی یاد نموده و در لیست سیاه داخل میکنند. امروز نیز قوت موثر مقاومت را حزب اسلامی افغانستان تشکیل میدهد.

مشکل افغانستان از طریق داخل شدن این و آن نیرو در رژیم حل نمیشود. این مشکل تنها و تنها از طریق اعاده استقلال و تحویل حق حاکمیت ملی کشور ما حل پذیر است. هر نیرو و جریان سیاسی که با رژیم تحت قیومیت کابل ببیوندد در انظار ملت ما منفور و منزوی میشود و هر جریانی که برای آزادی و شرف و عدالت مبارزه نماید، از جانب ملت پشتی بانی شده و معزز تلقی میشود.

اسلو تاپمز: گفته میشود از طرف ایالات متحده امریکا بعضی خواسته های طالبان پذیرفته شده است و در عقب

پردها بعضی زندانیان طالبان از زندان مخوف بگرام نیز رها گردیده اند، اگر این گفته ها واقعیت داشته باشد در

سیاست امریکا تغییر کلی و کیفی در قسمت طالبان بوجود آمده است، تحلیل و برداشت شما چی است در این صورت

چه آینده در انتظار افغانستان خواهد بود؟

انجنیر امین کریم: بلی بنا بر معلومات ما این شایعات محقق اند، ولی افرادی که از زندانهای امریکایی ها آزاد گردیده اند سرنوشت متفاوت دارند. عده از آنها مثل ملا ضعیف و ملا متوکل از تحریک طالبان به نحو از انحاء تحت نظارت و امنیت امریکایی ها در کابل قرار دارند، موظف به ایجاد ارتباط بین رژیم کابل و امریکایی ها، با تحریک طالبان شده

اند، و عده دیگر از قبیل ملا ذاکر قیوم دوباره به جبهات مبارزه برگشته و جنگ خود شدت بخشیده اند. افراد اولی در میان مردم و جبهات جای پا ندارند ولی طبقه دومی مورد عزت و پشتیبانی مردم قرار گرفته اند.

بصورت کل باید گفت که اگر امریکا مصمم به پروسه مسما به ادغام (Reintegration) باشد، هیچ شانس مؤفقیّت برای خاتمه دادن به بحران وجود ندارد و اگر منظور شان آشتی ملی یا (Reconciliation) باشد باز هم باید گفت که مقاومت مردم افغانستان نه در قبال رژیم کرزی و نه جنگ داخلی است، بلکه مقاومت در مقابل اشغال ظالمانه است که بر ملت ما تحمیل شده است. بناً راه حل معقول و خاتمه بحران در گرو استقلال کشور بوده نه از طریق آشتی ملی (Reconciliation) و ابداً از طریق ادغام (Reintegration) قابل حل می باشد.

اسلو تایمز: چنین به نظر میرسد که حکومت آقای کرزی در دفاع از مردم عوام و رسانیدن فریاد آنها به جهانیان

کاملاً عاجز مانده است، چنانچه در ماه مارچ سال جاری میلادی یکتن از عساکر ایالات متحده امریکا تعداد زیاد از

اهالی پنجوایی اعم از زنان، اطفال و پیرمردان را شب هنگام به قتل رساند، چه فکر میکنید علل و دلایل ناکامی

حکومت کرزی در چی می باشد؟

انجنیر امین کریم: واقعه را که شما ذکر کردید، نه از جانب یک عسکر امریکایی، بلکه بشهادت بازماندگان قربانیان و اهالی پنجوایی قندهار و به تصدیق چندین هیات رژیم دست نشانده کابل، توسط یک گروه چند نفری عساکر امریکایی و با حمایت هلیکوپتر صورت پذیرفته بود. چگونه میتوان تصور کرد که یک فرد به تنهایی در تاریکی شب داخل یک قریه شود و در طول چند کیلومتر به کشتار اطفال و زنان بپردازد ولی مقاومت در مقابل وی صورت نگیرد و زنده و سلامت دوباره به پایگاه خود برگردد؟ به یقین میتوان گفت که مردان افغان چنین شجاعت دارند که با دست خالی این چنین جانی ها را از پا در آورند. و هم ناممکن است که یک عسکر به تنهایی از پایگاهی که شدیداً تحت مراقبت است بیرون شود و یا اجازه بیرون شدن داشته باشد. در کنار این واقعه چند روز قبل از آن جلد های قرآن شریف، مقدس ترین مقدسات مسلمانان توسط عساکر امریکایی علی رغم هوشدار ترجمانهای داخلی شان، در پایگاه اصلی آنها در بگرام به آتش کشیده شد و هم قبل از آن فلم ادرار عساکر امریکایی بر اجساد دهقانان بی گناه کشته شده که حتی طالب هم نبودند به رسانه ها درز پیدا کرد. در حقیقت این جنایات مشت نمونه خرواری از وحشی گری های است که هر روز در کشور ما از جانب عساکر اشغالگر انجام می پذیرد ولی امکان انتشار آن وجود ندارد. سوال اصلی این است که چرا عساکر اشغالگر که با ادعای کمک به مردم ما آمده اند مرتکب چنین جنایات هولناک میشوند؟

یکی از وجوّهات آن این است که امریکایی ها، چنانچه در فلم های هالیوود همواره مشهود است، دشمنان خود را در اذهان مردم و عساکر خود چنان سیاه تصویر میکنند که حتی حیثیت و کرامت انسانی را به آنها قایل نمیشوند. این عملکرد اگر امروز در قبال مسلمانان بصورت اعم و مجاهدین افغانستان بصورت اخص در جریان است، قبلاً در قبال کمونستان نیز چنین بود و پیش از آن در رابطه با سرخ پوستان هم بدین منوال بوده است. مگر نه این است که در فلم های هالیوود که در این قرن جای کتب تاریخ را بخود اختصاص داده است، کمونست و روسی بودن همیشه قیافه نحس و خشن داشت و حتی نباید کسی که نقش یک روسی را در فلم بازی میکرد تبسمی به چهره میکشید؟! مگر تصویر سرخ پوستان چگونه بود؟! و امروز تصویر مجاهدان افغان چگونه است؟!!

مگر نه این است که خون بهای هر افغانی که به اعتراف امریکایی ها بی گناه کشته میشود، حد اکثر دو صد دالر و خونبهای یک امریکایی و اروپایی از قرار معامله با لیبیا در واقعه لاکر بی (Lockerbie) بیشتر از سه میلیون دالر

است. این معادله بخوبی ارزش یک افغان را در انظار عساکر امریکایی مجسم می نماید و بناً کشتار افراد که حتی انسان نیز تلقی نمیشوند در چشم عساکر امریکایی چه اهمیت دارد؟

مگر نشنیده اید که تا دو هفته قبل به عساکری که از امریکا عازم افغانستان میشوند در سهای ضد اسلامی تدریس میشد. اما اینکه آقای کرزی وقتاً فوقتاً در قبال این جنایات موقف شدید اتخاذ میکند، صرفاً وجهه مصرف تبلیغاتی دارد. امر مسلم این است که آقای کرزی و گروه‌های مؤتلف رژیم مسماً به ائتلاف شمال، سوار بر تانک‌های امریکایی وارد کابل شده و بر مسند قدرت و ثروت هنگفت که از این رهگذر نصیب‌شان شده است تکیه کرده اند و از این رو حفظ این مناصب و ثروت‌ها را در گرو تداوم جنگ و خونریزی در افغانستان دانسته و با تمام امکانات خود مخالف صلح و مخالف خروج نیروهای خارجی از کشور ما می‌باشند. از این رهگذر در یک ائتلاف زنجیره‌ای با منافع مشترک با حلقه‌های جنگ طلب لابی نظامی و نفتی ایالات متحده امریکا قرار دارند. از طرف دیگر در تبنای با ایران و روسیه که علاقه و منفعت وافر در به درازا کشیدن جنگ و مصروف ساختن غرب و امریکا در افغانستان دارند، قرار گرفته‌اند. بنا بر امر معروف روسها می‌خواهند بدون مصرف یک شانزه پولی، انتقام شکست‌شان را در افغانستان هم از مردم افغانستان و هم از امریکا بگیرند.

از جهت دیگر کشتار مردم بیگنا و هتک حرمت مقدسات مردم ما می‌خواهند، قدرتمندی و زورگویی امپراطوری امریکا را در انظار مردم ما تداعی نموده و آنها را از مقاومت مأیوس بسازند. بنا بر تجربه سیاست زمین سوخته (Terre Brulee) همواره به شکست مواجه بوده است.

بعد دیگر این مطلب این است که با اعمال این جنایات امریکا می‌خواهد میزان تسلیم‌پذیری نیروهای گرد آمده در رژیم کابل را اندازه‌گیری نماید و ببیند تا چه سرحد این نیروها وفادار به اطاعت از ارباب خارجی می‌باشند. که البته در این امتحان گروه‌های فاسد رژیم فعلی نمرات خوبی را در یافت کرده‌اند.

اسلو تایمز: نظر شما در مورد قتل عام بیش از 4000 انسان در دسامبر 2001، ساحه دشت لیلی، همزمان با تجاوز

امریکا که در داخل کانتینر ها کشته و خفه شدند چی است؟

انجنیر امین کریم: مقارن فاجعه دشت لیلی و کشتار هزاران سرباز تسلیم شده طالبان، آقای دونالد رمزیلد وزیر دفاع وقت ایالات امریکا در جواب خبرنگار در رابطه زندانیان سیاسی، ادعا نمود که "امریکا صاحب زندان نیست". جمله که قتل عام اسرای جنگی را در اذهان ترسیم می‌نمود. از این رو کشتارهای متعاقب این ادعا چه در قلعه جنگی، چه در دشت لیلی و چه در زندانهای مخوف آقای رشید دوستم صورت پذیرفتند ناشی از یک تصمیم از قبل گرفته شده بود. آقای دوستم نیز به مراتب ادعا نموده است که اگر قرار است در این رابطه محکمه دایر گردد ایشان حاضرند که در کنار جنرال‌های امریکایی در رابطه جوابگو باشند.

در سال 2002 متخصصین بنیاد حقوق بشر تحقیقات ابتدایی را در این زمینه در خود ساحه آغاز کردند و تعداد زیاد از باز مانده‌های کشته شدگان را در دشت لیلی بدست آوردند، اولین نتایج نشاندهنده کشتار این افراد یا با مرمی تفنگ و یا

از طریق خفه شدن بوده است. این تحقیقات توسط عوامل آقای رشید دوستم توقف داده شد و علی الرغم درخواست دیده بان حقوق بشر نه ملل متحد و نه نیرو های امریکایی اجازه ادامه این تحقیقات را صادر کردند.

ما در پهلوی جنایات مکرر که از جانب نیرو های اشغالگر صورت پذیرفته اند، مجدانه تقاضا داریم تا عاملین این جنایت نا بخشیدنی در یک محکمه عادلانه مورد باز خواست قرار گیرند.

اسلو تایمز: از چند سال به اینطرف، سازمان جهانی بهداشت و دیگر ادارات ناظر بر مخدرات در نظر داشته اند که به کمپنی های دوا سازی اجازه استفاده از حاصلات کوکنار افغانستان را بدهند تا برای ساختن ادویه جات چون مورفین و دیگر سموم خفیفه و شدید استفاده نمایند تا این دوا های قیمتی بشکل وافر در دسترس طبقه فقیر قرار گیرد، آیا این گزارش ها حقیقت دارند؟

به نظر شما حکومت کدام اقدامات لازمه را انجام دهد تا تجارت با موسسات جهانی از سالمیت کافی بر خوردار بوده و هم قاچاق مواد مخدر و استفاده غیر مشروع آن محار شوند؟

انجنیر امین کریم: در سالهای اخیر وقتا فوقتا تقاضای از جانب (WHO) و بعضی ان جی او (NGOs) های که در این عرصه فعالیت دارند به گوش رسیده است. هفته قبل وزیر داخله کشور تاجکستان، آقای جنرال رحیم اوف پیشنهاد کرد تا محصولات خشخاش افغانستان را جهت تبدیل به ادویه خریداری نماید. اما حقیقت امر این است که تولید خشخاش از زمان حضور قوای اشغالگر تا به امروز بیش از ده برابر شده است. علت ان اگر از یک طرف اقتصاد جنگ میتواند تلقی شود – با در نظر داشت اینکه یکی از دلایل قوی اشغال کشور ما، مبارزه با کشت و قاچاق مواد مخدر اعلام شده بود – خود پردوکس لشکرکشی را به کشور ما نمایان میکند.

از طرف دیگر واضح است که اگر کشت مواد مخدر در کشور ما صورت میگیرد، انتقال و فروش آن توسط اجانب انجام میشود. بر اساس اطلاعات منابع امریکایی، تنها سه فیصد درآمد مواد مخدر به دهقانان افغان بر میگردد، که این خود بزرگترین قلم درآمد داخلی را تشکیل میدهد. ۹۷ فیصد آن به جیب مافیای بین المللی و مؤتلفین داخلی و دولتمردان افغانی و در بانکهای اروپایی و امریکایی ذخیره میگردد. این درآمد که به ده ها ملیارد تخمین زده شده است، به ثروت کسانی می افزاید که از طریق جنگ تغذیه میشوند. مردم افغانستان که قبل از اشغال فعلی معتادان اش از چند هزار تجاوز نمی کرد امروز بیش از دو میلیون انسان و فامیل های شان را غرق کرده است. و جوانان اروپا و امریکا را بدام تباهی کشانیده است.

سردمداران رژیم کابل هم بنام مبارزه با کشت مواد مخدر پول مالیه پردازان جهان غرب را به یغما می برند و هم بزرگترین تجاران و مافیای هولناک مواد مخدر را در رأس و بدنه خود تشکیل میدهند. ما در زبان خود اصطلاحی داریم که میگوید: بدزد میگویند دزد بگیر باش!

خاتمه جنگ و تدوین سیاست درازمدت اقتصادی از طریق انکشاف سیستم آبیاری و توجه به خود کفایی زراعتی و خوراکی مردم، یگانه راه معقول و مؤثر در امر مبارزه با کشت مواد مخدر می باشد.

اسلو تایمز: بعد از خروج نیرو های خارجی در سال 2014، دولت افغانستان چه تدابیری را میتواند برای تامین

صلح و ثبات پیاده نماید؟

آیا نیرو های نظامی افغانستان توانایی تامین امنیت را بعد از خروج نیرو های خارجی دارند؟

آیا این نیرو ها از امکانات و وسایل کافی و تمرینات لازمی جهت مقابله با جنبش مقاومت مسلحانه

برخوردار می باشند؟

انجنیر امین کریم: حکومت کرزی اگر در انظار بخش از مردم میتوانست عنصری در امر ایجاد صلح و عاملی در راه حل مسالمت آمیز بحران افغانستان تلقی شود - آن هم نه از این جهت که رژیم ایشان واجد ادنای مشروعیت و جاهت مردمی باشد - بلکه از آن جهت که بالأخره به مثابه یک واقعیت تلخ در کشور وجود دارد و بویژه به این مناسبت که با سقوط این رژیم خلاء سیاسی ایجاد نگردد، بعد از عقد پیمان استراتژیک - که در انظار قاطبه مردم ما منحيث کپیتولاسیون و یا تسلیمی تلقی میگردد، فاقد هر نوع وجاهت شده است و از این تاریخ به بعد به مثابه عامل بازدارنده صلح محسوب میشود. از این رو این رژیم هر گونه کار آیی خود را در امر تأمین یک کشور با ثبات و دارای امنیت از دست داده است. کما اینکه ناتوانی این دستگاه و عمق فساد مالی و اداری آن زبان زد عام و خاص در داخل و خارج کشور گردیده است. از این رو گمان اغلب بر این است که خروج نیرو های خارجی - اگر به واقعیت بپیوندد - مقارن با سقوط نظام آقای کرزی خواهد بود. و سرنوشتی جزء همسان با داکتر نجیب الله، آخرین حاکم دست نشانده روسها نخواهد داشت. و کما اینکه دوره کاری آقای کرزی نیز در سال ۲۰۱۴ به اتمام خواهد رسید.

در مورد امکانات و روحیات قواه نظامی و انتظامی رژیم در بالا اشاراتی داشتیم. لازم بتذکر است که اردوی معاصر افغانستان از بدوی تاسیس در اوایل قرن بیست، نهادی بوده است که بر خلاف اردو های دیگر کشور ها، همواره برای سرکوبی قیامهای داخلی مورد تعلیم و استفاده قرار گرفته است. حفظ سرحدات کشور در واقع بیشتر جنبه شعاری داشته است. از طرف دیگر کشور های همجوار افغانستان بصورت مقایسوی اردو های به مراتب قوی تر از قوت های نظامی ما داشته و خواهند داشت. بآن هم هر باریکه در طول تاریخ، کشور ما مورد تهاجم قرار گرفته است، تنها و تنها با مقاومت مردمی به شکست مواجه شده اند. قوای نظامی مسلح کشور یا در خدمت اجانب قرار گرفته و یا از صحنه غائب بوده است. چنانچه دیروز در خدمت قوای متجاوز روسی و امروز در قیمومیت عساکر اشغالگر امریکایی قرار دارد.

در صورت که استقلال کشور ما اعاده شود دلایل جنگ به کلی منتفی میگرددند.

افغانستان آینده با در نظر داشت فقر و ویرانی عظیم خود، توان حفظ و نگهداری اردوی مسلح قوی و پر مصرف را ندارد و نه ضرورت آنرا ملت افغانستان که خود بهترین مدافع استقلال و آزادی است احساس میکند.

اردوی فعلی که مطلقاً از گروه های اجیر ائتلاف شمال و ملیشه های قومی و صاحب منصبان اردوی ضد مردمی دوران شوروی تشکیل گردیده است، به هیچ وجه در مقابل قیام سرتاسری ملت توان مقابله را ندارد. و تصور اینکه افغانستان توسط کشور های همسایه مورد تهاجم قرار بگیرد خلاف عقل و واقع است. ولی اگر چنین اتفاق رخ بدهد اردوی فعلی در ظرف چند روز تار و مار خواهد شد و باز هم این مقاومت مردم ما است که کما فی سابق دندان هر تجاوزگر را بخاک ذلت می افکند.

خطری را که شما به آن اشاره کردید از آن جهت که اردوی اجیر فعلی متشکل از ملیشه های قومی خاص است در فردا امکان پارچه شدن و بدست تیکه داران قومی افتادن را شدیداً بالقوه در خود دارد. از طرف دیگر این اردوی اجیر نه با اقوام خاص مواجه است بلکه در مقابل مقاومت آزادی بخش یک ملت قرار دارد. بناً اگر حضور پرحجم ۵۰ کشور نتواند مقاومت را در هم شکند، چگونه ممکن است که این اردوی اجیر از پی آن بر آید. قرار اطلاعات بیش از چهل فیصد عساکر بعد از مدتی از این نهاد فرار میکنند. امکانات و سلاح به هیچ وجه عامل تعیین کنند در قبال جنگهای آزادی بخش و اراده مردم نمی باشد.

اسلو تایمز: آیا سیستم قضایی افغانستان مطابق اقتضاهات امروز و جوابگوی مشکلات فردای کشور ایجاد شده

است؟

وظیفه نظام قضایی ادا کردن حقوق مردم است. در کشوری که زیر بنایی ترین حقوق مردم اش که عبارتند از حق خود ارادیت، حق حاکمیت ملی و حق تمامیت ارضی می باشد، پامال شده باشد، و در مملکتی که نیرو های خارجی هر کدام به نوبه خود زندان های مخوف دارند و در این زندانها بدون در نظر داشت کرامت انسانی به صدها و هزاران افغان – بدون حد اقل اعتناء به اصول حقوقی – بجرم و یا به اتهام وطن دوستی و آزادگی، مورد شکنجه های قرون اوسطایی قرار میگیرند و ابو غریب و بگرام بنامهای مبدل میشوند که مو به اندام انسان راست میکند، چگونه میتوان صحبت از نظام عدلی و قضایی نمود؟ آیا استرداد استقلال افغانستان اولین حق این ملت نیست؟ در فلسفه حقوق آمده است که شیوه اعمال عدالت عین عدالت است. حال اگر فرض محال کشور های غربی برای ایجاد نوعی عدالت به کشور ما آمده باشند، ایفای عدالت کذابی نیز باید عادلانه باشد. عملکرد نیرو های اشغالگر که شمه آنها شما در سوال هشتم مطرح کردید آیا میتواند اجرای عادلانه عدالت تلقی شود؟ در نظام اشغال شده، حقوق مردم نه از طریق نهاد عدلی بلکه از محل سفارتخانه ها و وایسرا ها حل میشود. چه بسا سران رژیم که از جانب دستگاه قضایی همین رژیم متهم به فساد های کلان مالی، تجارت مواد مخدر و غصب زمینهای دولتی شده اند ولی این و یا آن سفارت مانع از محاکمه این افراد شده است. در یک کلام اولین قربانی تجاوز فعلی حق و آزادی است و بناً عدالت.

اسلو تایمز: بنا بر چی دلایل مدعی هستید که افغانستان اشغال شده است، آیا میتوانید چند مثال از اشغال افغانستان

بدهید؟

انجنیر امین کریم: موضوع اشغال یک اصل عمدتاً حقوقی است و میتوان آنها را از دیدگاههای مختلف مورد بررسی قرار داد، از جمله از دیدگاه شرعی و هم عرف متداول مردم افغانستان. با اینهم کشور افغانستان با هر تعریف و هر تعبیری که

از اشغال میتوان ارایه کرد، یک کشور اشغال شده است. حال شما نیز میتوانید تعریف از اشغال ارایه نماید و بعد مشاهده خواهید کرد که با همان تعبیر شما نیز کشور ما اشغال شده تلقی خواهد شد. مثالهای فراوان را میتوان در زمینه ارایه کرد هر چند که توضیح و اصحات خواهد بود. داشتن زندانهای سیاسی، عملیات نظامی خود سرانه، عدم مسئولیت حقوقی و قضایی در قبال قوانین افغانستان و بالا تر از همه تجاوز بر کشور مستقل بدون کوچکترین مجوز حقوقی، نقض آشکار حق حاکمیت ملی مردم ما بوده و اشغال واقعی کشور ما می باشد. جناب آقای کرزی به مراتب از دستگاه موازی امریکا در پهلوی نهاد های رسمی کشور ما شکوه ها داشته است.

اسلو تایمز: جناب محترم انجنیر صاحب حکمتیار امیر حزب اسلامی افغانستان در این اواخر از توقف مذاکرات با حکومت کرزی خبر دادند. آیا فکر نمیکنید که توقف روند گفتگو منتج به شدت گرفتن بحران و تشدید بُعد نظامی

قضیه کشور و وضع فعلی را پیچیده تر نماید؟

انجنیر امین کریم: حزب اسلامی افغانستان تحت امارت محترم حکمتیار از چهل دو سال به اینطرف برای ایجاد یک کشور مستقل و آزاد و برای اعاده عدالت اجتماعی مبارزه کرده است. این حزب رهبری ملت را در مقابل دو تجاوز سهمگین شوروی و ناتو تجربه نموده و در این راه بیش از 95 فیصد از رهبران و اراکین خود را قربانی داده است. یکی از اهداف زیر بنایی این جریان، ایجاد یک نظام قانون مند است. شک نیست که تاسیس چنین نظامی با پیش شرط های استقلال و آزادی همراه است. این تنظیم با حکومت آقای کرزی دشمنی خاص ندارد و هم طالب مقام و یا گرفتن زمام امور، از طریق زور نمی باشد. دو سال قبل حزب اسلامی افغانستان طرح ۱۷ ماده ای را به نیرو های سیاسی افغان، رژیم کابل و نیرو های اشغالگر اراه نمود که متضمن خروج آبرومندانۀ قوتهای غربی از کشور ما و ایجاد یک نظام عادلانۀ استوار بر اراده مردمی از طریق انتخابات آزاد بود در این طرح بسیاری از تشویش های غربی ها بخصوص در امر جلوگیری از حضور رزمندگان خارجی را مدنظر داشته است. کاپی این طرح در اختیار شما است. قانون اساسی فعلی و حتی رژیم فعلی کابل مشروط به پاک شدن از عناصر جنایت کار و مافیای مواد مخدر در آن پذیرفته شده است، تا خلاء قدرت بوجود نیامده و واقعات تلخ دهۀ نود که مسمأ به جنگ داخلی شده است، دوباره تکرار نگردد. دولت امریکا و رژیم کابل نه با این طرح موافقت قلبی نشان دادند و نه هیچ طرح که متضمن اعاده حق خود ارادیت مردم ما باشد نیز اراه نکردند. این امر این حقیقت تلخ را وضاحت داد که هم رژیم کابل و هم حلقات جنگ طلب و اشنگتن مصمم بر تداوم جنگ و خونریزی بوده و منفعت خود را از جنگ به مثابۀ جنگ می بینند. امضاء پیمان استراتژیژیک، افغانستان را به یک کشور تحت الحمایه مبدل نموده و آنرا به یک مستعمره ایالات متحده امریکا در میاورد. صرف نظر از اینکه این شیوه استثمار مربوط به یکی دو قرن پیش بوده و تکامل انسانی، بر این شیوه ها خط بطلان کشیده است، اعمال این پیمان و بخصوص متمم بخش نظامی آن که قرار است طی ماه های آینده به امضاء رسیده و پایگاه های درازمدت امریکایی را به اصطلاح قانونی بسازند، خود منبع و مصدر تداوم جنگ و خونریزی در افغانستان خواهد بود. چنانچه مستشعر هستید، روسیه، چین، ایران و پاکستان تماماً بدون شک شایق اند

پای فیل امریکایی در گودال افغانستان هر چی بیشتر فرو رود، ولی به هیچ صورت با حضور پایگاه های دایمی موافقت نکرده و خواهند کوشید که آتش جنگ را کما کان مشتعل تر سازند.

اگر امریکا و غرب آرزوی خروج آبرومندانه از کشور ما را داشته باشند ما حاضریم با ایشان در همه عرصه ها در حال و آینده همکاری نموده و منحنی یک کشور مستقل با آنها روابط سالم و هم سطح داشته باشیم. ولی اگر حلقهات جنگ طلب کما کان به سیاست فعلی مصر باشند، بدانید که حوصله ملت ما فراخ و بی حصر است. در افغانستان وقت در نزد ما و ساعت در دست اشغالگران است.

اسلو تایمز: نفوذ مردمی حزب اسلامی افغانستان از دیدگاه شما در چه سطح است؟

انجنیر امین کریم: حزب اسلامی افغانستان از نگاه قدامت به استثنای حزب دموکراتیک خلق که - یک گروهی تاسیس یافته از جانب بلاک کمونیزم (بلاک شرق) بود، سابقه دار ترین جریان سیاسی در کشور ما است. از نگاه نفوذ مردمی از دیدگاه دوست و دشمن قدرتمند ترین جریان فکری در جامعه ما بوده و بالا تر از همه این حزب پرچمدار خواستهای اصیل مردم ما می باشد، بطوریکه مرامنامه حزب اسلامی افغانستان مطابقت کامل با اراده و منافع ملی میهن ما دارد. یکی از مثالهای قابل بررسی آن این است که در هر نظام دست نشانده هم اکثریت اعضای پارلمان را کسانی تشکیل میدهد که خود را منتصب به حزب اسلامی افغانستان میدانند. مثال دیگر آن اینست که از سی سال به اینطرف حزب اسلامی افغانستان پیشنهاد برگزاری انتخابات سراسری را برای توحید صفوف مجاهدین و یا تعیین رهبری کشور را نموده است ولی دیگر تنظیم های سیاسی دلیل رد انتخابات را این آورده اند که گویا حزب اسلامی افغانستان از این طریق تلاش دارد تا رهبری جهاد و کشور را به انحصار خود در آورد. بهر صورت اقتدار و نفوذ مردمی حزب اسلامی افغانستان وقت به شما هم مبرهن خواهد شد که یک انتخابات آزاد، عادلانه و مستقل در این کشور برپا گردیده و سهم و اقتدار هر تنظیم از طریق این روند مشخص گردد.

اسلو تایمز: لطفا توضیح بفرماید که حزب اسلامی چگونه توانمندی ایجاد یک افغانستان با ثبات و دیموکراتیک را

دارا می باشد؟

انجنیر امین کریم: امر واضح است به همان پیمانانه که حزب اسلامی افغانستان در شکست دادن اشغال قبلی و فعلی نقش داشته و دارد به همان تناسب توانمندی ایجاد یک نظام با ثبات و مردم سالار را نیز دارا می باشد. سه اصل اساسی که برای ایجاد یک نظام با ثبات ضروری است عبارتند از داشتن پایگاه وسیع مردمی، تشکیلات منظم و کدر های آگاه و اهداف مردم شمول می باشد. تاریخچه مبارزات سیاسی مردم افغانستان نشان داده است که یگانه جریان سیاسی که توانمندی ایجاد چنین نظام را داشته باشد حزب اسلامی افغانستان است. اعتراف نیرو های اشغالگر مبنی بر شکست نظامی شان خود دلیل توانمندی این حزب در ایجاد تغیر و تحول در کشور نمی باشد؟

اسلو تایمز: مردم افغانستان و جامعه جهانی معتقد اند که ایران بیشتر از پیش در قضایای افغانستان ذی دخل شده و

این دخالت بخصوص در بخش تبلیغاتی مشهود است. در حالیکه جنبش مقاومت متهم به ارتباط با پاکستان بوده و

هندوستان نیز دخالت خود را در امور کشور افزایش بخشیده است. با در نظر داشت روابط متلون این سه کشور و

بخصوص روابط خصمانه هند و پاکستان، آیا رقابتها باعث پیچیده شدن اوضاع کشور شما نمیشوند؟

انجنیر امین کریم: کشور ما تاریخ بیش از پنج هزار سال سابقه و فرهنگ غنی دینی دارد. در طول تاریخ در مقابل تهاجمات بزرگترین لشکر گشایان، مدنیت و فرهنگ خود را حفظ کرده است. امریکا با مصارف هنگفت نا توان از این بوده است که طی سی سال سرمایه گذاری، حزب و جریان قوی مردمی را به نفع خود پایه گذاری نماید. از این رو ما به اصالت فرهنگی – سیاسی خود اطمینان کامل داریم. در کشوری که ۵۰ قوت نظامی هر ولایت را بخود تخصیص داده و والیان را سفارتخانه ها تعیین میکنند، رسانه های گروهی را به نفع منافع خود تمویل میکنند، مملکت ما را به یک خانه بدون صاحب، با دربازه های باز و پنجره های شکسته مبدل کرده اند، در اینکه ایران، پاکستان و هند در کشور ما مداخله قوی ولی غیر فیزیکی دارند شکی نیست، ولی منطق حکم میکند که ابتدا با دزدان علنی که وارد خانه ما شده اند مقابله نماییم و بعد با دزدانی که از طریق نقب زدن تلاش ورود بخانه و چپاول را دارند.

این حضور نیرو های غربی است که شرایط را برای مداخله ایران، پاکستان و هند بیشتر از پیش مهیا نموده است. امریکا در عدم داشتن نیروی وابسته بخود، گرو های وابسته به محور روسیه، ایران و هند را که مسمأ به ائتلاف شمال اند، با توافق این سه کشور به اجوره گرفته است و در مقابل ناگذیر است دست اندازی آنها در امور داخلی ما را باز نگهدارد.

ایجاد پایگاه دایمی در افغانستان، بهانه قوی بدست این همسایگان میدهد تا مداخلات خود را چنانچه ایران، روس و پاکستان گفته اند هر چی بیشتر نمایند.

افغانستان در یک موقعیت خاص و بسیار حساس ژئواستراتیژیک قرار دارد که به مثابه سویس، صلح و ثبات آن در گرو عدم شرکت در پکت های نظامی و عدم وابستگی به یکی از قدرت های منطوقی و جهانی می باشد. از این رو تنها یک افغانستان مستقل، غیر منسلک و فعال و دارای اتحاد ملی که در طرح میثاق نجات ملی حزب اسلامی افغانستان مندرج است، میتواند صلح و امنیت و رشد را تضمین نماید.